شهرآرا
۳شنبه
۱۰ تیر ۱۴۰۴
۵ محرم ۱۴۴۷
شماره ۴۵۲۳
SHAHRARANEWS.IR
۱۴
معارف

زیارت ناحیه مقدسه؛ دانشگاه عالی معرفت

حجت خدا بر زمین

ناحیه مقدسه

أَلسَّلامُ عَلَی الشَّیبِ الْخَضیبِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْخَدِّ التَّریبِ

محمدجواد علیپور| زیارت ناحیه مقدسه یک زیارت نامه شاعرانه و عمیقا عاطفی برای امام حسین(ع) و شهدای کربلاست که با بیانی غنی از تصاویر دردناک، مفاهیم عرفانی و ابراز وفاداری، سروده شده است. در چهارمین بخش تحلیل این متن ارزشمند، آن را می‌توان در چند محور اصلی ارائه کرد.

محتوا و درون‌مایه: محتوا و درون‌مایه این قسمت بر رنج و مظلومیت تأکید می‌کند و مصائب جسمی و روحی شهدای کربلا را با جزئیاتی تکان‌دهنده توصیف می‌کند و بر این احوال حزن‌انگیز، سلام می‌گوید: سلام بر گریبان‌های چاک‌خورده، لب‌های خشکیده، اجساد برهنه، اعضای قطعه‌قطعه، سرهای بر نیزه‌رفته، تشنگی، خون‌ها و دیگر مصائب. این تصاویر، مظلومیت بی‌نظیر واقعه را برجسته می‌کند.

شخصیت‌های محوری: تمرکز ویژه‌ای بر امام حسین(ع) به‌عنوان حجت پروردگار جهانیان، فرزندان شهیدش، به‌ویژه علی‌اکبر و علی‌اصغر، برادر شهیدش، حضرت عباس(ع) و یاران وفادارش وجود دارد. سلام بر فرشتگان مقرب این درگاه، بر جایگاه رفیع و طهارت الهی امام، تأکید می‌کند.

بُعد قدسی و ملکوتی: بعد قدسی و ملکوتی متن، امام حسین(ع) را در ارتباط با ملائکه مانند جبرئیل و میکائیل و... مشمول مباهات الهی معرفی می‌کند. بر پاکی و عهد الهی او تأکید می‌کند و شهادت او را خون به ظلم ریخته‌شده می‌خواند. این نگاه، واقعه کربلا را فراتر از یک حادثه تاریخی و در سطح جریانی الهی انسانی قرار می‌دهد.

ابراز وفاداری و حسرت: ابراز وفاداری و حسرت از نبودن در آن صحنه، بیان می‌شود و همچنین در ادامه، اخلاص در ولایت امام را اعلام می‌کند؛ از حسرت نبودن در کربلا و ناتوانی در یاری امام می‌نالد؛ عشق و فداکاری خود را با عباراتی پرشور مانند با جانش دربرابر تیزی شمشیرها از تو محافظت می‌کرد، بیان می‌کند؛ گریه‌های خونین و اندوه بی‌پایان خود را توصیف می‌کند و بر فضایل امام حسین(ع) مانند اقامه نماز و پرداختن زکات، امر به معروف، نهی از منکر و اطاعت محض از خداوند شهادت می‌دهد.

شگردهای ادبی: تضادهای معنادار مانند حجت پروردگار جهانیان در مقابل کشته مظلوم، خون جاری و جرعه نوشیدن از جام نیزه‌ها در مقابل تشنگی، جسدهای برهنه بر خاک در مقابل بارگاه عالی‌رتبه و خاک پاک، عمق ظلم و مظلومیت را نشان می‌دهد. استعاره‌ها و کنایاتی مانند جرعه نوشیدن از جام نیزه‌ها که کنایه از اصابت نیزه‌ها به بدن است، با خون زخم‌هایش شست‌وشو داده شد که استعاره از ریزش خون فراوان است، خونش مباح شد که کنایه از هتک حرمت و ریخته شدن خون بی‌گناه است، به‌کار رفته است:

أَلسَّلامُ عَلَی الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِراحِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْمُجَرَّعِ بِکَأْساتِ الرِّماحِ أَلسَّلامُ عَلَی الْمُضامِ الْمُسْتَباحِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْمَنْحُورِ فِی الْوَری، أَلسَّلامُ عَلی مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُری، أَلسَّلامُ عَلَی الْمَقْطُوعِ الْوَتینِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْمُحامی بِلامُعین، أَلسَّلامُ عَلَی الشَّیبِ الْخَضیبِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْخَدِّ التَّریبِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْبَدَنِ السَّلیبِ، أَلسَّلامُ عَلَی الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضیبِ، أَلسَّلامُ عَلَی الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، أَلسَّلامُ عَلَی الْأَجْسامِ الْعارِیَه فِی الْفَلَواتِ، تَنْهَشُها الذِّئابُ الْعادِیاتُ وَ تَخْتَلِفُ إِلَیْهَا السِّباعُ الضّارِیاتُ، أَلسَّلامُ عَلَیْک یا مَوْلایَ وَ عَلَی الْمَلائِکَه الْمُرْفِرِفینَ حَوْلَ قُبَّتِک.

میقات روز ۳۵

با نامه‌های امام تا کربلا (نامه نهم)

من برای شما الگو و نمونه‌ام

محمدجواد ابوعطا| نوشته‌اند که کاروان حسینی در ادامه مسیر خود به‌سمت کوفه، به منزلگاهی به نام «زباله» رسید. در این منزل بود که خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به ابوعبدا...(ع) رسید. پس از اینکه حضرت متوجه بی‌وفایی کوفیان شدند، بلندترین نامه خود را این‌گونه نوشتند:

«از حسین بن علی(ع) به سلیمان بن صرد و مسیب بن نجبه و رفاعه بن شداد و عبدا...بن‌وال و جماعت مؤمنان: اما بعد؛ شما می‌دانید که رسول خدا(ص) در زمان حیاتش فرمود: «هرکه حاکم ستمکاری را ببیند که حرمت‌ها را زیر پا می‌نهد و عهد خدا را ترک می‌کند و با سنت رسول خدا(ص) مخالفت می‌ورزد و از این رهگذر، با بندگان خدا به دشمنی و ستم رفتار می‌کند اما درمقابل او نایستد و با دست و زبان موضع‌گیری نکند، سزاوار است که خداوند او را به جایگاهی که شایسته آن است -یعنی آتش- درآورد. شما می‌دانید که اینان، طاعت شیطان را پی گرفته‌اند و از اطاعت خداوند رویگردانند و آشکارا، مرتکب فساد می‌شوند و حدود الهی را وانهاده و خراج را سهم خود ساخته‌اند و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام کرده‌اند، درحالی‌که من به‌دلیل قرابت با رسول ا...(ص)، از دیگران به خلافت سزاوارترم. نامه‌هاتان به دستم رسیده است و فرستاده‌هایتان با پیام بیعت شما نزد من آمده‌اند. مبادا از نصرت و یاری‌ام دست بردارید! اگر به بیعت خود پایبند بمانید، به حق و بهره و هدایت خود خواهید رسید و جان من با جان شما و خانواده و فرزندم با خانواده و فرزندان شما پیوسته خواهد بود. من برای شما الگو و نمونه‌ام. اما اگر چنین نکنید و عهد و پیمان بشکنید و از زیر بار بیعت با من شانه خالی کنید، به خدا سوگند این کار شما بی‌سابقه نیست و شما با پدر و برادر و عموزاده‌ام نیز چنین کردید. آیا فریب‌خورده جز آن کسی است که به وعده‌های شما فریفته شود؟ حق خود را از دست داده و نصیب خود را ضایع کرده‌اید و هرکه عهد بشکند، به ضرر خود شکسته است و زود است که خداوند مرا از شما بی‌نیاز گرداند. والسلام.»

گفته‌اند این نامه را قیس بن مسهر صیداوی به کوفه برد.

در گفت‌وگو با آیت‌ا... عالمی نیازهای امروز جامعه به آموزه‌های موجود در روز تاسوعا مطرح شد

عباس بن علی(ع)؛ جان‌فدای ولایت

معین البکاء

آمنه مستقیمی| کربلا شهدای والامقام و عظیم‌الشأن بسیار داشت و تاریخ هم به خودش شهید کم ندیده است و نخواهد دید، اما درمیان همه شهدا عباس بن علی(ع) جایگاهی رفیع و خاص دارد، تاجایی‌که همه شهدا در قیامت به مقام آن حضرت غبطه می‌خورند، از این‌رو در بررسی اینکه در آن وجود مقدس چه اوصافی وجود داشت که ایشان را باب‌الحوائج و دستان دوعالم را دخیل دستان بریده علمدار کربلا کرده است، با آیت‌ا... حسن عالمی، نماینده مردم خراسان‌رضوی در مجلس خبرگان رهبری، گفت‌وگو کرده‌ایم.

عاشورانامه محرم ۱۴۴۷ — واقعه چهارم — تاسوعای حسینی

معلم امام‌باوری

مطالب فراوانی درباره زندگی حضرت عباس(ع) وجود دارد که همگی آن‌ها برای انسان آموزنده است. بیشترین درسی که ما باید از آن حضرت یاد بگیریم، امام‌باوری و اطاعت محض و مطلق از امام عصر و زمان است که در آن زمان، حضرت اباعبدا...الحسین(ع) بودند. در شرح حال حضرت عباس(ع) فراوان آمده است که ایشان دربرابر برادر بزرگوارشان، امام حسین(ع) و همچنین امام حسن(ع)، اطاعت مطلق و رعایت ادب در حد اعلی داشته‌اند.

درنهایت ادب و معرفت

حضرت ابوالفضل العباس(ع) به قدری برای دو برادر بزرگوار خود احترام قائل بودند که هیچ‌گاه امام حسین(ع) را برادر خطاب نکردند، بلکه همیشه ایشان را آقا و مولایم خطاب می‌کردند. ایشان فقط یک‌بار سیدالشهدا(ع) را با عنوان برادر صدا کردند، آن هم زمانی بود که در صحرای کربلا از روی اسب بر زمین افتادند، درحالی‌که دست در بدن نداشتند؛ امام حسین(ع) را به استغاثه طلبیدند و عرض کردند: «برادرم، برادرت را دریاب!».

جان‌فدای امام زمان(ع)

این رفتار، درس بزرگی به ما می‌آموزد که همانا اطاعت مطلق از امام زمان خود و مداومت بر یاری امام تا شهادت است. مقاتل در شرح وقایع کربلا نوشته‌اند کسانی که به‌نوعی به بنی‌کلاب نزدیک و در لشکر عمربن‌سعد بودند، به حضرت ابوالفضل(ع) گفتند تو از وابستگان قبیله ما هستی، بنابراین از حسین(ع) فاصله بگیر تا در امان باشی و کشته نشوی اما حضرت عباس(ع) با آن معرفت، شجاعت و غیرتی که داشتند، نه تنها این پیشنهاد را نپذیرفتند، بلکه با هیمنه خاصی آن‌ها را از خود دور کردند. ایشان جان‌فدای امام زمان خود شدند که این درسی بزرگ برای ما محسوب می‌شود.

همراهی با حق تا دم آخر

در کربلا، یک طرف ظلم مطلق بود و یک‌سو عدل مطلق و ابوالفضل العباس(ع) جانب عدل مطلق را گرفتند و حتی لحظه‌ای تصور جدایی از این جبهه را هم در خود راه ندادند. شجاعت حضرت ابوالفضل(ع) به قدری بود که به‌گفته مقتل‌نویسان حدود ۳ هزار نفر به‌دست ایشان در لشکر دشمن تارومار شدند (برخی کشته و برخی زخمی شدند). علاوه بر روحیه شجاعتی که از پدر بزرگوارشان، حضرت علی(ع)، به ارث برده بودند، به لحاظ جسمی نیز بسیار قوی و تنومند و موزون بودند.

با فریب به عباس(ع) رسیدند

در مقاتل آمده است که فرمانده لشکر دشمن گفت شما در میدان بازی به عباس بن علی(ع) دست نمی‌یابید. بنابراین صبر و کمین کردند تا وقتی حضرت خودشان را به آب فرات رساندند و مشک آب را از نهر علقمه پر کردند در راه بازگشت، کسانی توانستند به ایشان ضربه‌های اول را وارد کنند؛ یعنی این افراد در پشت درختان پنهان شدند و چون حضرت عباس(ع) گذر کردند، به روی ایشان شمشیر گشودند؛ دست راست حضرت این‌گونه قطع شد.

دستم را می‌دهم، از حق دست نمی‌کشم

وقتی بازوی راست حضرت عباس(ع) قطع شد، رجز خواندند: «وَا...اِنْ قَطَعْتُموا یَمینی اِنّی اُحامی اَبَداً عَنْ دینی»: به خدا سوگند اگر شما دست راست مرا جدا کردید، تا ابد از دینم دست برنمی‌دارم. این نیز درس دیگری است که می‌توان از حضرت عباس(ع) آموخت که انسان متدین، موحد، خداشناس و خداجو هرگز از دین خدا دست برنمی‌دارد؛ گرچه بخشی از بدنش نیز از بدن جدا شده باشد. ایستادگی، مقاومت و پایداری حضرت عباس(ع) این‌گونه بود.

شکست را بر دشمن تحمیل کنیم

امروز و در شرایط خاص کشور و جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا، الگوگیری از حضرت عباس(ع) به ما توان مبارزه و مقاومت می‌دهد؛ مهم آنکه دشمن ما توان دشمنان حضرت عباس(ع) را ندارد. باید ایستادگی کرده، شکست نهایی را بر دشمن تحمیل کنیم، حتی اگر این دشمن، اسرائیل به تنهایی نباشد و ارباب آن نیز باشد. درس بزرگ حضرت عباس(ع) به ما این است که از دشمن نهراسیم.

عِده‌وعُده دشمن، سبب ترس نمی‌شود

یاران امام حسین(ع) را تنها ۷۲ تن تشکیل می‌دادند، درحالی‌که طبق روایات تاریخی در لشکر دشمن صدها هزار نفر حضور داشتند. با این حال نه تنها هیچ‌گونه هراس و ترسی در حضرت عباس(ع) ایجاد نشد، بلکه هرچه بر لشکر دشمن افزوده می‌شد، اراده، ایستادگی و مقاومت ایشان نیز افزایش می‌یافت. آموختن درس مقاومت از عباس بن علی(ع) ما را مقابل دشمن پیروز می‌کند. امروز هم نباید جوسازی‌های رسانه‌ای و ادعاها و دروغ‌های دشمن، سبب ترس و یأس ما شود، بلکه باید در مواجهه و شکستش عزم‌مان جزم‌تر شود.

باب حاجات عالمین

حضرت ابوالفضل العباس(ع) آن‌قدر نزد پروردگار عالم عزیز است که هرکه با ارادت خالص به محضر ایشان برود، او را ناامید نمی‌کنند. نقل است یکی از اعراب بادیه‌نشین پسر بیمار خود را به حرم حضرت عباس(ع) می‌برد و با همان حالت عامیانه و سادگی خود، رو به ضریح حضرت می‌کند و شفای فرزندش را می‌خواهد. سپس فرزندش را رها کرده، می‌رود و بعد از بازگشت پسر را سالم می‌بیند.

سرّ عظمت عباس بن علی(ع)

دلیل اینکه خداوند متعال چنین جایگاهی به حضرت عباس(ع) می‌دهد، فداکاری و ایثارگری ایشان و عطا کردن تمام داشته‌هایش در راه خداوند متعال بود. نکته دیگری که شاید کمتر به زبان آورده می‌شود، این است که از حضرت ابوالفضل(ع) دو فرزند ذکور باقی ماند. یکی از آن‌ها عبیدا...بن عباس(ع) بود؛ ایشان جزو فقهای بزرگ شیعه شد و از وی نسل در نسل فقهای بزرگواری برای هدایت و ارشاد مردم ظهور کردند.